

جنایت برای ماندگاری استثمار و واپسگرایی!

کارگران، کمونیست‌ها و انسان‌های آزاده

۳۳ سال است که سرمایه‌داری ایران در قالب جمهوری اسلامی با لباس مذهب و ژست‌های ضد امپریالیستی و طرفداری از مستضعفین، فرزندان، برادران، خواهران، پدران و مادرانمان را اعدام می‌کند.

تیرباران، اعدام، سنگسار، زندان، شکنجه، تبعید و انواع و اقسام مجازات‌های شنیع و غیرانسانی اشکال شناخته شده‌ای هستند که علیه ما به‌کار برده می‌شوند تا چرخه تولید ارزش اضافه در قبال کارمزدی در بالاترین حد نرخ سود را از گرده کارگران بیرون بکشد و با سر ریز کردن آن در چرخه تولید سرمایه‌داری جهانی جایگاه خود را در این نظام ضدانسانی تضمین نماید.

یورش به خلق عرب در تابستان ۱۳۵۸، لشکرکشی به کردستان و ترکمن صحرا و اعدام کمونیست‌ها و انسان‌های آزادیخواه این مناطق، اعدام‌ها و کشتارهای بهترین فرزندان و یارانمان در دهه شصت، اعدام‌های دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به جرم‌های واهی با توجیهات مذهبی و شرعی، قتل‌های زنجیره‌ای و ترور مخالفان در خارج از کشور، برپایی چوبه‌های دار در میادین شهرها و نابودی غیرانسانی قربانیان نظام سرمایه‌داری تحت عناوین معتاد و دزد و قاچاقچی و مفسد فی الارض طی این سالیان دراز، ترور، تجاوز، زندان، شکنجه معترضین خیابانی در دو سال اخیر همگی بخشی از کشتار دسته‌جمعی انسان‌هایی بوده و هست که با علیه این نظام غیرانسانی بودند و یا خود قربانیان این نظام منحل سرمایه‌داری.

علاوه بر این کشتارها تحمیل فقر و بی‌کاری و گرسنگی به کارگران و دیگر اقشار فرودست جامعه بخش دیگری از سیاست‌های حاکم نظام سرمایه‌داری بوده که طی این سالیان منجر به متلاشی شدن بنیان‌های جامعه شده است، سیاستی که اربابان سرمایه از طریق بانک جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی به حاکمان جمهوری اسلامی تحت عنوان سیاست‌های جدید نئولیبرالی دیکته کرده‌اند و روشن‌فکران خودفروخته سرمایه با تئوریزه کردن آن، راه را برای بروز انواع و اقسام جنایت‌ها علیه بشریت با نام‌های فریبنده باز نموده‌اند تا انسان را به سوی تنهایی مطلق و جدایی از هم نوع خود بکشانند؛ در چنین دنیای اتمیزه شده هیچ راهی جز خودکشی برای انسان مستأصل شده باقی نمی‌ماند.

اعدام فقط این نیست که طناب دار بر گردن کسی ببویزند یا با شلیک مستقیم گلوله به طرف کسی او را از پای در آورند، کارگری که از روی استیصال و بدبختی خود را به دار می‌کشد و یا از بلندی، خود را پرتاب می‌کند نیز اعدام می‌شود. سرمایه با استثمار بی حد و حصر و با غارت هستی انسان کارگر، او را به چنان درجه‌ای از درماندگی می‌کشد که به ناچار دست به اعدام خود می‌زند و در این میان مقصر کسی نیست جز نظام منحل سرمایه‌داری و بانین آن در هر لباس و مسلکی.

ما ترورها و عملیات انتحاری را که گروه‌های تندرو اسلامی و دستجات راست افراطی به‌همراه نئونازی‌ها در گوشه و کنار دنیا هر روزه پیاپی می‌کنند بخشی از رقابت‌های درونی بورژوازی جهانی و مرتجعین هم پیمان آنان می‌دانیم که مستقیماً هدفش جان کارگران و مردم کوچه و بازار است تا ضربه زدن به نظام ضدانسانی سرمایه‌داری؛ از اینرو ما این‌گونه عملیات و اقدامات ضدانسانی را نیز جزیی از جنایت علیه بشریت دانسته و آن را محکوم می‌کنیم.

وجدان‌های بیدار، امروز وقت آن است تا بر علیه هرگونه اعدام (این قانون ضد بشری که خود نوعی جنایت علیه بشریت است) برخیزیم و اعتراض کنیم؛ علیه هرگونه خودکشی (که سرمایه به بشریت تحمیل می‌کند) برخیزیم، علیه هرگونه عملیات انتحاری و تروریستی که جان انسانها را هدف قرار می‌دهد به‌پایخیزیم.

امروز یکی از پایه‌ای‌ترین مطالبات کارگران در ایران لغو مجازات اعدام به هر شکلی با هر نیتی و تعهد جامعه در قبال شهروندان خود از بدو تولد تا لحظه مرگ در تمامی سطوح زندگی اجتماعی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، تحصیل) می‌باشد. از اینرو ما کارگران و فعالین سوسیالیست، کشتار دهه شصت و اعدام زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷ را بخشی از کشتار سیستماتیک سرمایه‌داری در ایران می‌دانیم که این چنین گستاخ و بی‌پروا دست به قتل عام انسان‌ها می‌زند تا چرخه استثمار انسان توسط انسان را تحت لوای کارمزدی تداوم دهد. ما این جنایات را محکوم کرده یک صدا فریاد می‌زنیم استقرار سوسیالیسم، تنها راه نجات انسان در عصر توحش سرمایه‌داری است.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد انقلاب!

برقرار باد سوسیالیسم!



کمیته فعالین کارگری سوسیالیستی (فرا کمفورت)

۲۴/۰۸/۲۰۱۱